

نقد و نظری بر بنیادگرایی دینی

مقدمه‌ای انتقادی بر تفسیرهای مدرن غربی

مجموعه مطالعات ادیان | ۱۰ |



غفاری، حسین، ۱۳۳۴-

نقد و نظری بر بنیادگرایی دینی: مقدمه‌ای انتقادی بر تفسیرهای مدرن

نویسنده: حسین غفاری

تهران: حکمت، ۱۳۹۵

۱۶۸ ص

شابک: 978-964-244-169-3

فیفا

کتاب‌نامه به صورت زیر نویس

مقدمه‌ای انتقادی بر تفسیرهای مدرن غربی از بنیادگرایی

بنیادگرایی مذهبی

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۵ ۷۷ غ/۲۳۸ BL

رده‌بندی دیویی: ۲۰۰/۹

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۲۲۱۱۵۶



هکمت پرسی

تهران، خیابان انقلاب، ابتدای ابوریحان، شماره ۹۴، کدپستی ۱۳۱۵۶۹۴۱۶۴

تلفن: ۶۶۴۶۱۲۹۲ / ۶۶۴۱۵۸۷۹ / ۶۶۴۰۶۵۰ / ۶۶۴۰۶۵۰

سامانه پیام کوتاه: ۰۲۱-۶۹۵۰۰۸۷

v.hekmat-ins.com

info@hekmat-ins.com

نقد و نظری بر بنیادگرایی دینی
مقدمه‌ای انتقادی بر تفسیرهای مدرن غربی

حسین غفاری

[hghafari@ut.ac.ir]

چاپ اول: ۱۳۹۵ ش/۱۴۳۷ ق

شمارگان: ۱۵۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۲۴۴-۱۶۹-۳

حروفچینی و صفحه‌آرایی: مؤسسه فرهنگی هنری حکمت

چاپ و صحافی: شرکت چاپ و نشرکیمیای حضور

(کلیه حقوق محفوظ و مخصوص ناشر است)

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه (از قبیل چاپ، فتوکپی، الکترونیکی، صوت و تصویر) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

قیمت: ۱۱۰۰۰ تومان

فهرست

۹	مقدمه
	بخش ۱. نقاد دیدگاه کلی مؤلف در تبیین خاستگاه دین در تاریخ و فرهنگ بشری
۱۵	تبیین دیدگاه مؤلف
۲۰	نقد دیدگاه مؤلف
۲۰	۱. تلقی دین به عنوان حقیقت اصیل یا غیراصیل
۲۵	۲. تمایز میان لوگوس و میتوس
۲۹	۳. یکسان‌انگاری لوگوس و قاضی مدنی غریب
۲۹	معنای لوگوس در عهد باستان
۳۴	ظهور «عقل جدید» در فرهنگ غرب
۳۶	۴. یکسان‌انگاری میتوس و بنیادگرایی
۴۱	۵. نقد دیدگاه مؤلف در مورد ناکارآمدی دین در نظام اسلام، برای تبدیل شدن به برنامه مدیریت و مهندسی اجتماع
۴۴	اسلام از دو منظر ایمان شخصی، و تأسیس نظام سیاسی
	بخش ۲. تبیین ماهوی بنیادگرایی
۵۱	تبیین دیدگاه مؤلف
۶۲	نقد دیدگاه مؤلف
۶۲	۱. عدم اشتراک ماهوی میان حرکات تروریستی و اندیشه سیاسی اسلام
۶۵	۲. تبیین اجمالی اندیشه سیاسی شیعه و تفاوت آن با اهل سنت
۷۰	کشورگشایی نظامی در اندیشه شیعه
۷۴	۳. ویژگی‌های بارز بنیادگرایی اصیل اسلامی و شیعی

۴. تروریسم و بنیادگرایی ۹۱
- تعریف پیشنهادی برای تروریسم ۹۱
- تقسیم‌بندی انواع عملیات تروریستی ۹۴
۵. تفکیک دو وجهه نظر «سیاست» و «تفکر» در مسئله بنیادگرایی ۹۹
- انسان غربی معاصر و بازگشت به «پروتوگوراس» ۱۰۸
۶. راه‌کارهای پیشنهادی در قبال مسئله بنیادگرایی ۱۱۵
۶. ۱. مشکلات سیاسی روزمره و موجود با نظام‌های مستقل بنیادگرا ۱۱۵
۶. ۲. مشکلات با گروه‌های تندروی اسلام‌گرا با منشأ ایدئولوژی اسلامی ۱۱۷
- واکاوی ریشه تروریسم ایدئولوژیک در اندیشه اسلام سنی معاصر ۱۲۴
۶. ۳. مشکل اساسی تضاد میان تفکر مدرن غربی با تفکر بنیادگرای اسلامی ۱۳۹
- نقد بانی لیبرالیسم غربی به تقریر پوپر ۱۵۰
- غیرخواه در جامعه خودی و خودخواهی در جامعه بین‌المللی ۱۵۸
- مغالطه میان لیبرالیسم و دموکراسی ۱۶۲
- نتیجه‌گیری: «آکار» لدی لیبرالیسم به‌عنوان مبنای یک تمدن انسانی ۱۶۴

کتاب‌نامه

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

نوشتۀ حاضر در این به عنوان مقدمه‌ای بر ترجمه فارسی کتاب بنیادگرایی در یهودیت، مسیحیت و اسلام نوشته سرکار خانم دکتر کارن آرمسترانگ، نویسنده و محقق ابعاد برانگیختنی نگاشته شده است. خانم دکتر آرمسترانگ آثار متعددی در زمینه‌های مختلف ادیان نگاشته‌اند که برخی از آنها به فارسی هم ترجمه شده‌اند. مترجم معترف می‌کند که قبل از ترجمه آن با اینجانب مشورت کرده بود، پس از سرگشته با توجه به ابعاد فلسفی، سیاسی و اجتماعی موجود در آن، از بنده درخواست نگارش مقدمه‌ای انتقادی بر این اثر را نمود که مورد تأیید هیئت علمی مؤسسه انتشارات حکمت نیز قرار

۱. کارن آرمسترانگ در سال ۱۹۴۴ در انگلستان متولد شد و تحصیلاتش در دانشگاه آکسفورد است. وی در گذشته به مدت هفت سال راهبۀ کاتولیک بود و پس از خروج از آن به تحقیق در حوزه ادیان را شروع کرد. تاکنون بیش از ۲۵ کتاب توسط وی به نگارش درآمده است که بخشی از آنها نیز به فارسی ترجمه و منتشر شده که از آن جمله است: محمد ﷺ زندگی نامۀ سامیة اسلام، ترجمه کیانوش حشمتی، انتشارات حکمت، چاپ ششم، ۱۳۹۴؛ تاریخ سداپاوری: ۴۰۰۰ سال جست‌وجوی یهودیت، مسیحیت و اسلام، ترجمه بهاء‌الدین خرمشاهی و بهزاد سالکی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۵؛ تاریخ مختصر اسطوره، ترجمه عباس مخبر، نشر مرکز، چاپ دوم، ۱۳۹۲.
۲. این کتاب توسط آقای مهندس کیانوش حشمتی ترجمه و قرار است توسط انتشارات حکمت در سال ۱۳۹۵ هم‌زمان با این نقد منتشر شود.

گرفت. اینجانب از طرفی با توجه به مباحث جالب و نویی که توسط مؤلف دانشمند و دقیق‌النظر آن در این کتاب عرضه شده است، و آشنایی با آنها برای همه اقشار فرهیخته جامعه کنونی ما ضروری به نظر می‌رسد، و از طرفی با توجه به جنبه بین‌المللی مباحث که یکی از چالش‌های عمده نظام فرهنگی و سیاسی حاکم بر جهان غرب با فرهنگ دینی به‌ویژه اسلام و شیعه در دارد، علی‌رغم فاصله داشتن آنها با دل‌مشغولی‌های خود، به حکم سلیقه و با نیت نگارش مقدمه‌ای کوتاه این درخواست را اجابت کردم. ولی در عمل دامنه بحث به درازا کشید، خصوصاً از آن‌رو که مباحث غالباً دو وجه داشت: وجه تاریخی و نسبت به جامعه خودی، و وجهه‌ای در بحث با مؤلف محتام به بیان یک صاحب‌نظر و اندیشمند اجتماعی غربی، و در اصل نسبت به مدیات حامی غربی. در هر صورت علی‌رغم طولانی شدن بحث، همچنان در پاره‌ای از موضوعات مانند دموکراسی و فروعیات مربوط به آن، نکاتی باقی ماند که به اجمال از آن گذشتم. طولانی شدن این مقدمه به‌گونه‌ای شد که آن را به‌صورت کتابی مستقل تحت عنوان نقد و نظری بر بنیادگرایی دینی و در واقع به‌شکل نقدی بر تفاوت از این پدیده تبدیل کرد.^۱ بسیاری از منتقدان مدرنیته غربی از موضوع بحث مدرن، و حتی اندیشمندی مانند هابرماس از درون مدرنیته، با دیدگاهی انتقادی پدیدۀ بنیادگرایی دینی را از عوارض افراط‌کاری‌های تفکر مدرن در تحمیل معیارهای خود بر انسان و همچون عکس‌العملی طبیعی در مقابل آن

۱. اکنون، با توجه به حجم این رساله، بنابر این شد که خلاصه‌ای کوتاه از آن به‌عنوان مقدمه بر ترجمه فارسی کتاب بنیادگرایی در یهودیت، مسیحیت و اسلام قرار گیرد و اصل آن به‌صورت کتاب حاضر به‌طور مستقل منتشر شود (البته هم‌زمان با انتشار اصل ترجمه، که متأسفانه به دلائل فنی و غیرفنی مربوط به نشر، با تأخیری نسبتاً طولانی نسبت به زمان ترجمه، یعنی حدود پنج سال پس از آن، صورت می‌پذیرد).

می‌انگارند ولی آن چنان که در طی این رساله به تفصیل خواهد آمد این سخن اگرچه بهره‌ای از حقیقت را داراست ولی تفسیری کوتاه و ناکافی از پدیده موسوم به بنیادگرایی دینی است و حداکثر شعاع تبیینی آن در محدوده جریان‌ات و حوادث تروریستی در حوزه بنیادگرایی مسیحی است و می‌تواند توجیه‌گر چنین حوادثی به عنوان عکس‌العملی در مقابل رانده شدن مسیحیت از جامعه مدنی مدرن تلقی شود ولی نسبت به آنچه که با برچسب بنیادگرایی شیعی نظام حکومتی دینی در دنیای معاصر به آن اشاره شده است و یا حتی نسبت به توجیه عناصر تروریستی منسوب به اسلام سنی مانند القاعده و... ناکافی و بی‌رواه می‌باشد. و مادام که میان مسائل سیاسی ناشی از گسترش منافع سیاسی و اقتصادی جهان غرب و در رأس آن امریکا، با مسائل عقیدتی و مذهب‌نگارانه تفاوت دو بینش متفاوت درباره ماهیت دین و کارکردهای آن، و نگاه‌های ارزش‌گذاری‌های متفاوت میان انسان غربی و شرقی تفکیک جدی صورت پذیرد، هرگز نمی‌توان با اطلاق برچسب‌های مصنوعی مانند بنیادگرایی به حوادث و حقایق متفاوت، به استنتاج توصیه‌های مفید و مؤثر برای حلّ بحران‌های ناشی از آن دست یافت. تلاش نگارنده در این رساله بر این است که اولاً با ارائه تعاریف حتی‌الامکان دقیق، واقع‌گرایانه و منطقی، محدود هر یک از این جریان‌ات تروریستی و خشونت‌بار را از یکدیگر جدا کند و سپس درصدد آن باشد علل و عوامل پیدایش آنها برآید تا پس از آن بتواند با دادن راه‌کارهای اجرایی و عملی از توسعه دامنه آنها بکاهد و به سوی محو و نابودی این حوادث خشونت‌بار حرکت کند؛ و نیز با جدا کردن بنیادگرایی شیعی از محدوده کلیه حوادث تروریستی، با معرفی فلسفه سیاسی شیعه و تمایز آن با فلسفه سیاسی سنی، برقراری نظام حکومت دینی شیعی را امری متفاوت با

تجربه‌های سیاسی دینی در غرب معرفی کند و آن را به عنوان الگویی پیشرفته برای تحقق ایده‌آل‌های فضیلت، عدالت و آزادی در محدوده اخلاق انسانی نشان دهد و معادل دانستن آن را با یک حرکت پرخاشگرانه کور، که محتوای مفهوم «بنیادگرایی» در ادبیات معاصر سیاسی غربی است، کاملاً نادرست و فاقد توجیه نشان دهد؛ و سرانجام این نوشته ضمن مباحثی فشرده به نقادی فلسفی نظام لیبرالیسم به عنوان الگوی نهایی دنیای مدرن می‌پردازد و از درآوردن آن به صورت یک خاصیت ذاتی و مقوم، با سودای قدرت در جهان سرمایه‌داری نوین خبر می‌دهد.

نگارش عمر کتاب بنیادگرایی در یهودیت، مسیحیت و اسلام طبق گفته مؤلف پس از سال‌ها مقارن با حادثه تروریستی یازدهم سپتامبر به سرانجام رسید و مؤلف از وقوع این حادثه همچون تأییدی بر تفسیر خود از «بنیادگرایی دینی» یاد می‌کند. یک ماه پس از حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۱۱ موفق به انتشار آن می‌شود. هدف نویسنده آن است که ضمن معرفی صحیح جریان‌های بنیادگرایی در سه دین بزرگ دنیا، و با تحلیل علل پیدایش آن، فاصله فکری میان بنیادگرایان و انسان‌دوستان مدرنیته را اولاً هرچه بیشتر شناسایی و سپس بر اساس واقع‌انگاری مدللانه هر چه کمتر کند.

به عقیده مؤلف، بنیادگرایی منحصر به چند نفر از تروریست‌های خشن مذهبی نیست که بتوان با اعمال خشونت متقابل، به حذف آن‌ها اکتفا کرد، بلکه این پدیده از مختصات قرن بیستم و ناشی از تجاوز گسترده مدرنیته به ساحت دین و عکس‌العملی طبیعی از طرف معتقدان به دین برای حفظ حریم معنویت است. لذا چاره کار اولاً در شناخت واقع‌گرایانه دو طرف از یکدیگر و سپس تعامل بر اساس درک موقعیت طرف مقابل و تلاش برای ایجاد نوعی موازنه و تعادل است.

کتاب بنیادگرایی خانم آرمسترانگ را در یک تحلیل بسیار کلی می‌توان مرکب از دو جنبه و حیثیت دانست:

الف. حیث توصیفی، که مؤلف محترم با تتبع گسترده و قابل تحسین اوضاع و احوال فرهنگی و اجتماعی ظهور پدیده بنیادگرایی در سه دین بزرگ و حیانی جهان (یهودیت، مسیحیت و اسلام) را بررسی می‌کند و در ضمن آن با ارائه گزارش‌های تاریخی مستند و دقیق از کیفیت ظهور بنیادگرایی در این فرهنگ، اخبار می‌دهد.

ب. حیث تحلیلی، که مؤلف با به کارگیری چند مقدمه کلی بستر دستگاهی قیاسی را برای تبیین منطقی و پیشینی پیدایش بنیادگرایی به‌زعم خود فراهم می‌کند و سپس با بهره‌گیری از توصیفات به‌عمل آمده، جایگاه روشن عینی و نیز منطقی پدیده بنیادگرایی را در سبب تحول فرهنگ‌ها نشان می‌دهد.

از منظر انتقادی، بحث توصیفی کتاب حکایت از دقت نظر، تتبع و روحیه انصاف و همدلی مؤلف دارد، البته صرف نظر از اشکالات جزئی و یا موردی در مباحث مربوط به تاریخ معاصر ایران، یا درباره پاره‌ای برداشت‌های اسلامی و شیعی، که در شمار معذرات دقیق و وسیع، و در غالب موارد، صائب مؤلف نسبت به تاریخ و فرهنگ است، که به کلی با آن بیگانه است به سهولت قابل چشم‌پوشی است. این اختلاف نظر در ترجمه کتاب، با تذکرات موردی نگارنده یا ملاحظات دیگر ویراستاران، عمدتاً با افزایش پاره‌ای حواشی و تعلیقات اصلاح شده است و آنچه می‌ماند، بررسی ملاحظات و اختلاف نظرهای مبنایی اینجانب است که در این کتاب، تحت دو عنوان کلی به آن اشاره می‌شود:

بخش اول: اختلاف مبنایی با مؤلف در تبیین خاستگاه دین و عامل معنوی در تاریخ بشری و فرهنگ به‌طور کلی.

بخش دوم: اختلاف در تفسیر ماهوی بنیادگرایی و کیفیت تطبیق آن با جریان بنیادگرایی اسلامی.

و البته این همه به هیچ وجه از اهمیت و ارزش اجتماعی و فرهنگی توصیفات عالی و دقیق مؤلف در نمایش جریان بنیادگرایی در سه دین زنده و حیانی یعنی مسیحیت و یهودیت و اسلام نمی‌کاهد، به گونه‌ای که به اعتقاد اینجانب مطالعه این اثر برای همه کسانی که در سرزمین ما نسبت به بریانات سیاسی و فرهنگی کلی که در نظام جهانی کنونی در جریان است حساسیت دارند و دغدغه امور اجتماعی و سیاسی، چه در سطح کلان جهانی و چه در سطح نظام اجتماعی - سیاسی - مذهبی داخلی را داشته باشند، امری نیروی به اثر می‌رسد.

این ضرورت هم از جهت آشنایی با جریان‌های متنوع و متضاد سیاسی - فرهنگی مثلاً درون جامعه یهودی - مسیحی و زمین‌های اشغالی فلسطین است که ما همه آنها را با عنوان صهیونیسم می‌کنیم و البته پس از مطالعه کتاب، معلوم می‌شود که این اصطلاح برای نشان دادن همه جریان‌های یهودی موجود در کشور اسرائیل فعلی، دقیق نیست؛ هرچند از جهت مشابه‌سازی تحلیل‌هایی است که از نسبت میان حرکت‌های مسیحی به بنیادگرایی بین یهودیان و یا مسیحیان با سایر اقشار فرهنگی آن جوامع و بریانات سیاسی - فرهنگی در جامعه خود ما برقرار است.